

بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با خودکارآمدی در دو گروه دانش‌آموزان زورگو و عادی کارکنان شبکه بهداشت شمال فارس

فهیمة رجبی^۱

^۱ عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور

نام نویسنده مسئول:

فهیمة رجبی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با خودکارآمدی دانش‌آموزان زورگو و عادی بود.

مواد و روش‌ها: طرح پژوهش از نوع توصیفی از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها در زمره‌ی تحقیقات علی-مقایسه‌ای قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی والدین دانش‌آموزان پسر و دختر پایه پنجم و ششم ابتدایی کارکنان شبکه بهداشت شهرستانهای شمال فارس در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ بود. با استفاده از فرمول کوکران و منطبق بر جدول مورگان تعداد ۳۹۲ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. سپس همه این دانش‌آموزان به پرسشنامه‌ی روابط با همگنان (که بخشی از آن زورگویی کودکان را اندازه‌گیری می‌نماید) پاسخ دادند. از این تعداد، ۱۹۲ دانش‌آموز در حیطه زورگویی این پرسشنامه نمره بالایی کسب کردند و در دسته دانش‌آموزان زورگو قرار گرفتند و ۲۰۰ نفر دیگر در حیطه زورگویی این پرسشنامه نمره پایینی و در حیطه رفتار پسندیده اجتماعی نمره بالایی کسب کردند و در دسته دانش‌آموزان عادی جای گرفتند. سپس نمونه انتخاب شده از دانش‌آموزان عادی و زورگو به پرسشنامه‌ی خودکارآمدی تحصیلی شرر و والدین آنها به پرسشنامه‌ی فرزندپروری بامریند و سبک‌های دلبستگی هازن و شیور پاسخ دادند. داده‌های به دست آمده با روش رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش: نتایج تحلیل داده‌ها بیانگر این بود که بین شیوه‌های فرزندپروری و ابعاد سبک‌های دلبستگی والدین با خودکارآمدی در دو گروه دانش‌آموزان زورگو و عادی تفاوت معنادار وجود دارد ($P < 0.05$).

واژگان کلیدی: فرزندپروری؛ دلبستگی؛ خودکارآمدی؛ زورگویی؛ والدین

مقدمه

زورگویی، شکل خاصی از رفتار سلطه‌جویانه است و می‌توان آن را به صورت موقعیتی که در آن دانش‌آموز به طور مکرر و مداوم در معرض اعمال منفی فرد دیگر قرار می‌گیرد توصیف کرد [۱]. این اعمال منفی موقعی اتفاق می‌افتد که عدم تعادل بین قربانی و مهاجم وجود دارد. زورگویی مداوم، به عنوان رفتار عود کننده که تکرار آن چندین بار در ماه، گاهی اوقات یا به صورت هفتگی است، تعریف می‌شود. هماهنگ با تعریف، زورگویی باید این موارد را در بر گیرد: (۱) پرخاشگری که موجب صدمه رساندن، ترساندن، آزار و اذیت قربانی می‌شود؛ (۲) این پرخاشگری از پیش برانگیخته نیست؛ (۳) به صورت مکرر اتفاق می‌افتد؛ (۴) به طور معمول زورگویی نسبت به قربانیان از قدرت جسمانی بالاتری برخوردارند. به بیان دیگر زورگویی در یک موقعیت نابرابر از نظر قدرت یا منزلت اجتماعی اتفاق می‌افتد و (۵) در گروه کوچک اجتماعی رخ می‌دهد که اعضای آن با یکدیگر آشنا هستند [۲]. زورگویی به وضوح از دوا و درگیری میان دو نفر که با یکدیگر در زمینه‌ی قدرت جسمانی برابری می‌کنند، متفاوت است [۱] و [۳]. زورگویی می‌تواند زورگویی فیزیکی مستقیم، زورگویی زبانی مستقیم و زورگویی غیرمستقیم باشد. زورگویی فیزیکی مستقیم ممکن است شامل هل دادن، لگد زدن، ضربه زدن یا گرفتن اشیای دیگران به زور باشد زورگویی زبانی مستقیم شامل رفتاری مانند با اسم بد خواندن، تهدید و مسخره می‌باشد [۴]، [۱]، [۵]، [۱۴]، [۶]. زورگویی غیرمستقیم معمولاً به عنوان زورگویی ارتباطی یا روان شناختی تعبیر می‌شود [۷]. اشکال زورگویی غیرمستقیم شامل توهین، پخش شایعه، طرد دیگران از لحاظ اجتماعی و تسلط طلبی روابط دوستانه می‌باشد [۸]، [۱۱]، [۵]، [۱۴]، [۶]. زورگویی یک مشکل جدی و فراگیر اجتماعی، به ویژه در سنین مدرسه است. به خاطر توجه رسانه‌ها نسبت به افزایش خشونت و زورگویی در بین کودکان و نوجوانان در مدرسه، توجه عمومی را طی چندین سال گذشته به خود معطوف کرده است. تخمین شیوع دقیق زورگویی در مدارس هنوز به علت گستره‌ی تنوع در این رفتار، دشوار است [۹]. یافته‌های پژوهشی‌های بین المللی در تمامی کشورها نشان می‌دهد ۴ تا ۴۵ درصد کودکان زورگو، قربانی هستند [۱۰]. همچنین یافته‌های ریگی^۱ نشان داد از هر ده دانش‌آموز یک نفر زورگو است [۱۱].

یکی از عمده ترین رویکردهای پیشگیرانه بر شناسایی عوامل خطرزا در جمعیت‌های پرخطر متمرکز است. با توجه به نقش خانواده و تأثیر خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری، از عوامل خطرپذیری مربوط به محیط خانواده، شامل فقدان یا ضعف روابط فرزند-والدین، نبود الگوهای مناسب در میان بزرگسالان، محیط خانوادگی خشن، روش تربیت مستبدانه، تربیت تنبیهی، نبود حمایت والدین از کودک و نبود علاقه بین کودک و والدین می‌باشد [۱۲]. از آن جا که در این پژوهش مجال پرداختن به تمام عوامل مستعد کننده نیست، بنابراین ضمن تأکید بر چند عاملی بودن، این اختلال رفتاری از زوایای سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بدیهی است مطالعه‌ی رشد و تحول کودکان بدون در نظر گرفتن سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری و خودکارآمدی امری نارسا و ناقص است [۱۳] رابطه‌ی میان مادر و کودک مهم‌ترین اصل در رشد شخصیت فرد است که مورد تأکید اکثر روان‌شناسان مانند فروید، کلاین، سالیوان و بالبی قرار گرفته است. در نظریه‌های متفاوت علم روان‌شناسی برای توصیف روابط والد-فرزند اصطلاحات گوناگون به کار گرفته شده است، مانند روابط موضوعی، وابستگی و دلبستگی. بالبی^۲ (۱۹۸۰) اظهار می‌دارد که الگوهای ارتباطی میان کودک و مادر سبک دلبستگی یک شخص را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: الگوهای پایدار ادراک‌های ارتباطی، هیجان‌ها و رفتارها. نظریه‌ی دلبستگی بر طرح‌واره‌های شناختی متمرکز است. این طرح‌واره‌ها سازمان‌دهی روابط شخص با دیگران و نیز ادراکات او از دنیای پیرامونش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این طرح‌واره‌ها در طول زندگی تحول می‌یابند. طرح‌واره‌ها در دوران کودکی بر اساس تجربی که نوزاد با اولین مراقبش دارد تشکیل یافته و در دوران کودکی و نوجوانی کامل می‌شوند [۱۳] در پی مفروضات بالبی، اینزورث و همکاران (۱۹۸۷) برای تعیین سبک دلبستگی کودکان، موقعیت عینی آزمایشی به نام موقعیت ناآشنا را طراحی کردند که در آن کودک سه جزء استرس‌زا را تجربه می‌کند: (۱) محیط ناآشنا؛ (۲) تعامل با یک فرد ناآشنا؛ و (۳) جدایی کوتاه مدت از والدین یا مراقب خود. بر این اساس، سه سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا قابل تعریف است [۱۴]. سبک دلبستگی ایمن را راحت بودن هنگام نزدیکی به دیگران و اطمینان از واکنش دیگران تعریف کرده‌اند. سبک اجتنابی نایمن بودن در تعاملات با دیگران و تمایل به جدا ماندن اشاره دارد. سبک اضطرابی-دوسوگرا به نایمن بودن در واکنش‌های دیگران و اشتیاق زیاد به صمیمیت تعریف شده است. تصور محققان بر این است که دلبستگی ایجاد شده در دوران کودکی، در مراحل بعدی زندگی نیز تداوم می‌یابد و زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۵].

بسیاری از این پژوهش‌ها بر اساس سازه‌های فرزندپروری معرفی شده توسط بامریند^۳ (۱۹۶۷، ۱۹۷۱) انجام شده‌اند [۱۶] همان طوری که ذکر شد بامریند سه شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را با در نظر گرفتن کنترل والدینی ارائه داده است. پژوهش‌های انجام

^۱ - Rigby^۲ - Baby
^۳. Baumrind

شده بر روی این سه شیوه نشان داده است که این شیوه‌ها ممکن است پیامدهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش دهد [۱۶]. فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سختگیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌گردد. فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌شود [۱۵]. شیوه‌ی سهل گیرانه که پژوهش‌های کمتری را نسبت به دو سازه‌ی دیگر به خود جلب نموده است، با کمبود مهار والدینی به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود و گرایش به تن دادن به خواست‌های کودک مشخص می‌شود [۱۷]. از طرف دیگر نظریه‌های روانشناختی متعددی هم در خلال سال‌ها سعی کردند تا رفتار آدمی را تبیین کنند. خودکارآمدی از این نظریه نشأت می‌گیرد و بر نقش یادگیری مشاهده‌ای و تجارب محیطی و اجتماعی در رشد شخصیت تأکید دارد. در نظام اجتماعی بندورا، خودکارآمدی به احساس‌های شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با زندگی اطلاق می‌شود [۲۰]. از این رو بندورا اشاره دارد به دانش آموزانی که دارای خودکارآمدی بالایی هستند، هدف‌های چالش انگیز و بالاتری را انتخاب می‌کنند، خود را بیشتر باور دارند و تلاش و پافشاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و در نتیجه از عملکرد بهتری برخوردار هستند. ولی دانش آموزانی که خودکارآمدی پایینی دارند در برخورد با موانع و شکست‌ها به راحتی دلسرد می‌شوند، خود را ناتوان احساس می‌کنند و از عملکرد خوبی برخوردار نیستند، در نتیجه در برخورد با شرایط دشوار احساس می‌کنند شرایط غیر قابل حل است که این مسئله منجر به فشار روحی و افسردگی می‌شود [۱۹]. رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری کودکان در پژوهش‌هایی نشان داده شده است. از جمله کمیجانی و ماهر (۲۰۰۷) در پژوهش خود عنوان مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی نشان دادند شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه در والدین نوجوانان با اختلال سلوک بیشتر از والدین نوجوانان عادی به کار گرفته می‌شود. با عزت و همکاران [۱۷]. در پژوهشی به بررسی سبک‌های دلبستگی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال رفتاری و عادی پرداختند. نتایج نشان داد دانش‌آموزان عادی از سبک دلبستگی ایمن برخوردار هستند و دانش‌آموزان مبتلا به اختلال رفتاری (زورگو) دارای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا هستند. صادق خانی و علی اکبری و کاکو جویباری (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره‌ی ابتدایی با اختلال لجبازی- نافرمانی و عادی پرداختند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که والدین کودکان با اختلال لجبازی- نافرمانی نسبت به والدین کودکان عادی بیشتر از شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه و کمتر از شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند. اسمارت^۴ (۲۰۰۱) در پژوهشی دریافت که چگونگی تعامل والد- کودک اغلب به عنوان پیش‌بینی کننده‌ای برای مشکلات رفتاری کودکان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تعامل‌هایی که معمولاً همراه با خصومت متقابل، بدبینی، کنترل بیش از حد و خشونت هستند در بسیاری از آسیب‌شناسی- های دوران کودکی دخالت دارند [۱۹]. آلن و بیمنجر و کیمپی کاند^۵ (۲۰۰۲). با بررسی سبک دلبستگی به عنوان پیش‌بینی کننده‌ی مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دریافتند که سبک دلبستگی ایمن مهارت‌های اجتماعی را در نوجوانی افزایش می‌دهد، در حالی که سبک دلبستگی نایمن پیش‌بینی کننده‌ی بزهکاری طی این دوران است. جنیفر^۶ و پترسون^۷ (۲۰۰۶). در بررسی نوع خانواده و رابطه‌ی آن با بزهکاری پی بردند که بهترین پیش‌بینی کننده‌ی بزهکاری نوجوانان کیفیت رابطه‌ی آن‌ها با والدین خود بوده است. بدین معنی که بد بودن این رابطه مسبب بزهکاری آن‌ها بوده است. همچنین در تحقیقات انجام شده در خصوص سازه‌ی خودکارآمدی، فراهتی (۱۳۸۹) نشان داد بین الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی رابطه وجود دارد نشان داد که خودکارآمدی با هوش هیجانی و عملکرد بهتر در زمینه‌های خود تنظیمی، ابراز وجود، استقلال، همدردی با دیگران، کنترل و خوش بینی رابطه دارد [۱۸]. نتایج نشان داد خودکارآمدی پایین با افسردگی، استرس و سلامتی روانشناختی و عزت نفس پایین و روان نژندی در ارتباط می‌باشد [۲۲]. بطور کلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روش‌های تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت بر شخصیت دانش‌آموزان در آینده دارند. مثلاً والدین سختگیر و دیکتاتور مانع پیشرفت و خلاقیت کودک می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود کند مانع بروز استعدادها و بالقوه او می‌شوند و در نتیجه این قبیل کودکان در آینده افرادی روان آزاده و پرخاشگر خواهند شد [۲۰]. با توجه به اینکه پژوهشی که به طور مستقیم بررسی و مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی در دانش‌آموزان زورگو و دانش‌آموزان عادی مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد، هدف تحقیق حاضر بررسی و مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با خودکارآمدی دانش‌آموزان زورگو و عادی است. پژوهش در این زمینه به منظور روشن شدن سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی در دانش‌آموزان زورگو و عادی در جهت رسیدن به راهکارهای عملی ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور فرضیه‌هایی به شرح زیر مطرح شد:

- ۱) بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه و سبک دلبستگی والدین با خودکارآمدی دانش آموزان در دو گروه دانش آموزان عادی و زورگو رابطه وجود دارد.

۴. Smart

۵ - Allen &Bauminger&Kimhi-Kind

۶. Jennifer

۷. Pattereson

۲) بین شیوه فرزند پروری مستبدانه و سبک دلبستگی والدین با خودکارآمدی دانش آموزان در دو گروه دانش آموزان عادی و زورگو رابطه وجود دارد.

۳) بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه و سبک دلبستگی والدین با خودکارآمدی دانش آموزان در دو گروه دانش آموزان عادی و زورگو رابطه وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است که پیامد آن به دست آوردن نتایج کاربردی است. از لحاظ شیوهی گردآوری داده‌ها توصیفی - همبستگی می باشد که به دنبال جمع آوری اطلاعات واقعی و مفصل از پدیده ی مورد نظر است و در زمره ی تحقیقات علی- مقایسه‌ای قرار می گیرد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانش آموزان پسر و دختر پایه‌ی پنجم و ششم ابتدایی کارکنان شبکه بهداشت شهرستانهای شمال فارس (آباد، اقلید، صفاشهر و بوانات) در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود. با استفاده از فرمول کوکران و منطق بر جدول مورگان تعداد ۳۹۲ نفره شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. سپس همه این دانش آموزان به پرسشنامه‌ی روابط با همگنان (که بخشی از آن زورگویی کودکان را اندازه گیری می نماید) پاسخ دادند. از این تعداد، ۱۹۲ دانش آموز در حیطه زورگویی این پرسشنامه نمره بالایی کسب کردند و در دسته دانش آموزان زورگو قرار گرفتند و ۲۰۰ نفر دیگر در حیطه زورگویی این پرسشنامه نمره پایینی و در حیطه رفتار پسندیده اجتماعی نمره بالایی کسب کردند و در دسته دانش آموزان عادی جای گرفتند. سپس نمونه انتخاب شده از دانش آموزان عادی و زورگو به پرسشنامه ی خودکارآمدی تحصیلی شرر و والدین آنها به پرسشنامه های فرزندپروری بامریند و سبک های دلبستگی هازن و شیور پاسخ دادند. همچنین ابزارهای مورد اندازه گیری در این تحقیق:

پرسشنامه‌ی روابط همگنان^۸: برای بررسی روابط دانش آموزان دبستانی تنظیم شده است. این ابزار خودگزارشی ۲۰ گویه دارد که در مقیاس لیکرت یک تا پنج نمره گذاری می شود. ضریب آلفای نسخه‌ی فارسی این مقیاس برای سه خرده مقیاس زورگویی، قربانی و رفتار پسندیده‌ی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۰ و ۰/۵۳ گزارش شده است (امیری، ۲۰۰۱).

۳) پرسشنامه‌ی سبک های دلبستگی هازن و شیور: این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که پنج ماده‌ی پرسشنامه مربوط به سبک دلبستگی ایمن، پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی اجتنابی و پنج ماده مربوط به سبک دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا می باشد. سؤال ها با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، هرگز (صفر نمره)، به طور اتفاقی (یک نمره)، بعضی اوقات (دو نمره)، اغلب اوقات (سه نمره) و تقریباً همیشه (چهار نمره) نمره گذاری می شود. هازن و شیور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۸۷ به دست آوردند. کولیتز و رید^۹ همچنین پایایی را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آوردند [۲۰]. هادی نژاد (۲۰۰۸) در تحقیق که روی دانش آموزان دوره دبیرستان انجام داد، ضریب پایایی پرسشنامه را بیش از ۰/۸۳ گزارش کرده است. پاکدامن (۲۰۰۴) اعتبار آزمون را برای سبک های ایمن، اجتنابی و اضطرابی/ دو سوگرا به ترتیب ۰/۳۷، ۰/۵۳ و ۰/۷۳ و میزان آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۹ گزارش کرد [۲۴].

۴) پرسشنامه‌ی فرزندپروری بامریند: این پرسشنامه طبق نظریه‌ی بامریند و به دست خود وی در سال ۱۹۷۲ طراحی شد و ۳۰ پرسش دارد که سه شیوه‌ی فرزندپروری را می سنجد؛ ۱۰ پرسش شیوه‌ی مستبدانه، ۱۰ پرسش شیوه‌ی مقتدرانه و ۱۰ پرسش شیوه‌ی سهل گیرانه را می سنجد. سؤال ها با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، کاملاً مخالفم (صفر نمره)، مخالفم (یک نمره)، تقریباً مخالفم (دو نمره)، موافقم (سه نمره) و کاملاً موافقم (چهار نمره) نمره گذاری می شود. این پرسشنامه در پژوهش های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است و اعتبار و روایی آن در حد مطلوبی گزارش شده است. بون^{۱۰} (۲۰۰۷) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه والدین برای شیوه‌ی مستبدانه ۰/۸۶، شیوه‌ی مقتدرانه ۰/۸۸ و شیوه‌ی سهل گیرانه ۰/۸۱ گزارش نموده است [۲۵]. در ایران اسفندیاری (۱۹۹۵) با نظرخواهی از ۱۰ روان شناس و روان پزشک صاحب نظر، روایی محتوایی پرسشنامه را بالا و پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی به فاصله‌ی یک هفته برای شیوه‌ی استبدادی ۰/۷۷، شیوه‌ی مقتدرانه ۰/۷۳ و شیوه‌ی سهل گیرانه ۰/۷۶ گزارش کرد [۲۰].

۵) پرسشنامه خودکارآمدی شرر: این مقیاس دارای ۱۷ سؤال است که هر سؤال بر اساس مقیاس لیکرت از دامنه کاملاً موافقم و کاملاً مخالف تنظیم می شود. نمره گذاری مقیاس به این صورت است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می گیرد. سوالهای ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵ از راست به چپ و بقیه سوالها به صورت معکوس یعنی از چپ به راست نمره گذاری می شوند. ضریب پایایی مقیاس با استفاده از روش دو نیمه کردن آزمون گاتمن برابر ۰/۷۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است [۲۴]. با وجود اعمال کنترل های لازم در پژوهش حاضر محدودیت هایی نیز وجود داشت که عبارتند از: این پژوهش محدود به نظر دانش آموزان در زمینه «گروه زورگو» بود. روشن است که نظر پدر

^۸. Parenting Relationship Questionnaire

^۹ - Colitis and reed

و مادر و معلمان در این زمینه می‌تواند تکمیل کننده نظر دانش آموزان باشد؛ به دلیل انجام پژوهش بر روی دانش آموزان پایه پنجم و ششم مقطع ابتدایی، در تعمیم نتایج به مقاطع دیگر باید احتیاط نمود و همچنین این پژوهش در یک شهر و استان انجام شده است، در تعمیم نتایج آن به شهرها و استان‌های دیگر باید احتیاط کرد.

داده‌های مطالعه در نرم افزار SPSS 20 و با استفاده از روش آماری رگرسیون چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بررسی فرضیه های ۱ و ۲ تحقیق نتایج در جدول ۱ و ۲ قابل مشاهده است:

جدول ۱: نتایج تحلیل رگرسیون شیوه فرزند پروری مقتدرانه و سبک های دلبستگی بر خودکارآمدی در دانش آموزان عادی

متغیرها	وابسته	مستقل	R	R SQUA RE	F	P- VAL UE	B	B.SE	BET A	T	P
خودکارآمدی	ایمن	مقتدرانه	۰,۴۸	۰,۲۳	۳,۶۶	۰,۰۰	۰,۵۷	۰,۰۹۶	۰,۲۲	۲,۲۳	۰,۰۰۰*
			اجتنابی	اضطرابی			-۰,۱۲	۰,۰۹۹	-۰,۰۷	-۰,۱۴۲	۰,۰۹
							-۰,۰۰۲	۰,۰۸۵	-۰,۱۷	-۰,۹۹	۰,۴

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود: با توجه به مدل رگرسیونی گام به گام در بعد فرزندپروری مقتدرانه و سبک های دلبستگی با خودکارآمدی در گروه دانش آموزان عادی در نظر گرفته شد. در این مدل، با استفاده از ضریب رگرسیونی در بعد فرزند پروری مقتدرانه و ابعاد سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با خودکارآمدی رابطه معنادار نداشت ($P > 0/05$) و از مدل حذف شد. ولی ضریب رگرسیونی در بعد فرزند پروری مقتدرانه و بعد دلبستگی ایمن با خودکارآمدی معنادار شد ($P < 0/05$). و با توجه به ضریب تعیین که برابر با ۰/۲۳ شد نتیجه می گیریم که ۲۳ درصد از تغییرات متغیر خودکارآمدی، توسط متغیر شیوه فرزند پروری مقتدرانه و سبک دلبستگی ایمن در دانش آموزان عادی تبیین می شود.

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون شیوه فرزند پروری مقتدرانه و سبک های دلبستگی بر خودکارآمدی در دانش آموزان زورگو

متغیرها	وابسته	مستقل	R	R SQUA RE	F	P- VAL UE	B	B.SE	BET A	T	P
خودکارآمدی	ایمن	مقتدرانه	۰,۲	۰,۰۴	۲,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۸	۰,۰۷۲	۰,۰۴	۰,۱۹	۰,۱۲
			اجتنابی	اضطرابی			-۰,۲۱	۰,۰۸۱	-۰,۱۸	-۲,۴۴	۰,۰۱
							-۰,۰۳	۰,۰۶۹	-۰,۱۳	-۰,۸۲	۰,۴

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود: با توجه به مدل رگرسیونی گام به گام در بعد فرزندپروری مقتدرانه و سبک های دلبستگی با خودکارآمدی در گروه دانش آموزان زورگو در نظر گرفته شد. در این مدل، با استفاده از ضریب رگرسیونی بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه و ابعاد سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با خودکارآمدی رابطه معنادار نشان داده نشد ($P > 0/05$) و از مدل حذف شد. ولی ضریب رگرسیونی در بعد فرزند پروری مقتدرانه و بعد دلبستگی ایمن با خودکارآمدی معنادار شد ($P < 0/05$). و با توجه به ضریب تعیین که برابر با ۰/۰۴ شد نتیجه می گیریم که ۴ درصد از تغییرات متغیر خودکارآمدی، توسط متغیر شیوه فرزند پروری مقتدرانه و سبک دلبستگی اجتنابی در دانش آموزان زورگو تبیین می شود.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون شیوه استبدادی و سبک های دلبستگی بر خودکارآمدی در دانش آموزان عادی

متغیرها	وابسته	مستقل	R	R SQUA RE	F	P- VAL UE	B	B.SE	BET A	T	P
خودکارآمدی	استبداد ی	ایمن	-۰,۲۵	۰,۰۶۲	۷,۴۱	۰,۰۰۱	-۰,۰۸	۰,۰۹۸	-۰,۰۴	-۱,۴	۰,۵۲
			اجتنابی	اضطرابی			۰,۲۹	۰,۰۹۰	۰,۱۶	۳,۴	۰,۰۲
							۰,۳۲	۰,۰۹۲	۰,۲۱	۴,۶۹	۰,۰۰

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود: با توجه به مدل رگرسیونی گام به گام در بعد فرزندپروری استبدادی و سبک های دلبستگی با خودکارآمدی در گروه دانش آموزان عادی در نظر گرفته شد. در این مدل، با استفاده از ضریب رگرسیونی بین شیوه فرزند پروری استبدادی و ابعاد سبک دلبستگی ایمن با خودکارآمدی رابطه معنادار نشان داده نشد ($P > 0/005$) و از مدل حذف شد. ولی ضریب رگرسیونی در بعد فرزند پروری استبدادی و ابعاد دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با خودکارآمدی معنادار شد ($P < 0/005$). و با توجه به ضریب تعیین که برابر با ۰/۰۶ شد نتیجه می گیریم که ۶ درصد از تغییرات متغیر خودکارآمدی، توسط متغیر شیوه فرزند پروری استبدادی و سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی در دانش آموزان عادی تبیین می شود.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون شیوه فرزند پروری استبدادی و سبک های دلبستگی بر خودکارآمدی در دانش آموزان زورگو

متغیرها	R	R SQUARE	F	P-VALUE	B	B.S.E	BET A	T	P	وابسته	
										مستقل	وابسته
خودکارآمدی	۰/۳۲	۰/۱۰	۹/۱۲	۰/۰۰	-۰/۰۲	۰/۰۱	-۰/۰۶	-۱/۶۶	۰/۶۲	ایمن	استبداد
					۰/۳	۰/۱۰	۰/۰۸	۳/۷۱	۰/۰۰۱	اجتنابی	ی
					۰/۴۴	۰/۰۹۲	۰/۳۱	۵/۹۱	۰/۰۰۰	اضطرابی	

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود: با توجه به مدل رگرسیونی گام به گام در بعد فرزندپروری استبدادی و سبک های دلبستگی با خودکارآمدی در گروه دانش آموزان زورگو در نظر گرفته شد. در این مدل، با استفاده از ضریب رگرسیونی بین شیوه فرزند پروری استبدادی و ابعاد سبک دلبستگی ایمن با خودکارآمدی رابطه معنادار نشان داده نشد ($P > 0/005$) و از مدل حذف شد. ولی ضریب رگرسیونی در بعد فرزند پروری استبدادی و ابعاد دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با خودکارآمدی معنادار شد ($P < 0/005$). و با توجه به ضریب تعیین که برابر با ۰/۱۰ شد نتیجه می گیریم که ۱۰ درصد از تغییرات متغیر خودکارآمدی، توسط متغیر شیوه فرزند پروری استبدادی و سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی در دانش آموزان زورگو تبیین می شود.

جدول ۵- تحلیل رگرسیون شیوه سهل گیرانه و سبک های دلبستگی بر خودکارآمدی در دانش آموزان عادی

متغیرها	R	R SQUARE	F	P-VALUE	B	B.S.E	BET A	T	P	وابسته	
										مستقل	وابسته
خودکارآمدی	۰/۰۲	۰/۰۰۴	۱/۴۴	۰/۲۸۸	-۰/۰۹۶	۰/۰۷۵	-۰/۱۰	-۱/۸۱	۰/۰۸	ایمن	سهل
					۰/۰۸۲	۰/۰۸۱	۰/۰۶۸	۱/۰۲	۰/۲۴	اجتنابی	گیرانه
					۰/۰۷۱	۰/۰۶۵	۰/۰۵۱	۱/۴۴	۰/۳۶	اضطرابی	

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود: با توجه به مدل رگرسیونی گام به گام در بعد فرزندپروری سهل گیرانه و سبک های دلبستگی با خودکارآمدی در گروه دانش آموزان عادی در نظر گرفته شد. در این مدل، با استفاده از ضریب رگرسیونی بین شیوه فرزند پروری استبدادی و ابعاد سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی با خودکارآمدی رابطه معنادار نشان داده نشد ($P > 0/005$) و از مدل حذف شدند. در نتیجه این مدل یعنی متغیر فرزند پروری سهل گیرانه و متغیر سبک دلبستگی در دانش آموزان عادی، توان کافی برای پیش بینی متغیر خودکارآمدی را ندارد.

جدول ۶- تحلیل رگرسیون شیوه سهل گیرانه و سبک های دلبستگی بر خودکارآمدی در دانش آموزان زورگو

متغیرها	R	R SQUARE	F	P-VALUE	B	B.S.E	BET A	T	P	وابسته	
										مستقل	وابسته
خودکارآمدی	۰/۲۴	۰/۰۵	۵/۲۱	۰/۰۳	-۰/۰۷	۰/۰۹۷	-۰/۰۴	-۱/۸۱	۰/۶۲	ایمن	سهل
					۰/۳۶	۰/۰۹۵	۰/۲۴	۳/۹۸	۰/۰۰۱	اجتنابی	گیرانه
					۰/۲۰	۰/۰۹۱	۰/۱۱	۲/۷۱	۰/۰۲	اضطرابی	

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می شود: با توجه به مدل رگرسیونی گام به گام در بعد فرزندپروری سهل گیرانه و سبک های دلبستگی با خودکارامدی در گروه دانش آموزان زورگو در نظر گرفته شد. در این مدل، با استفاده از ضریب رگرسیونی بین شیوه فرزند پروری استبدادی و ابعاد سبک دلبستگی ایمن با خودکارامدی رابطه معنادار نشان داده نشد ($P > 0.05$) و از مدل حذف شد. ولی ضریب رگرسیونی در بعد فرزند پروری سهل گیرانه و ابعاد دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با خودکارامدی معنادار شد ($P < 0.05$). و با توجه به ضریب تعیین که برابر با ۰/۰۵ شد نتیجه می گیریم که ۵ درصد از تغییرات متغیر خودکارامدی، توسط متغیر شیوه فرزند پروری سهل گیرانه و سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی در دانش آموزان زورگو تبیین می شود.

بحث

نتایج این پژوهش نشان داد، والدین دانش آموزان زورگو با فرزندان خود با شیوه‌ی سهل‌گیرانه برخورد میکنند. آنچه که تاکنون در پژوهش‌ها نشان داده شده است، رابطه بین انتظارات والدین و عملکرد کودکان بوده است. هر چه انتظارات والدین از کودکان کمتر باشد عملکرد کودکان نیز ضعیف‌تر خواهد بود و هر چه انتظارات بیشتر باشد عملکرد کودک نیز بهبود خواهد یافت. اما باید توجه داشت که گاهی انتظارات بیش از حد والدین نیز میتواند آسیب‌زا باشد. به هر ترتیب والدین سهل‌گیر آنگونه که انتظار میرود بر رشد و پیشرفت کودکان خود نظارت ندارند و برای ایشان جنبه‌های مهم رشد خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. لذا در تبیین این نتیجه با توجه به نتایج پژوهش‌ها میتوان گفت، بی‌تفاوتی والدین نسبت به عملکرد کودکان موجب خواهد شد که کودکان کمتر به ناتوانیهای خود در انواع مختلف عملکرد تحصیلی توجه نمایند و در حد مطلوب موفق به شناخت نقاط قوت و ضعف خود نشوند [۲۱]. پژوهش‌ها نقش عوامل مختلفی را در خودکارآمدی نشان داده‌اند به نظر می‌رسد نقش دو عامل شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی خیلی بر جسته است.

نتایج تحقیق نشان داد شیوه‌های فرزند پروری والدین بر خودکارآمدی دانش آموزان تاثیر معنی داری داشته و در این میان شیوه‌ی فرزند پروری مقتدرانه نسبت به شیوه‌ی سهل‌گیرانه و شیوه‌ی مستبدانه اثر گذاری بیشتری داشته است. همچنین بعد متغیر سبک‌های دلبستگی ایمن نسبت به سبک‌های دلبستگی اجتماعی و دوسوگرا اثرگذاری بیشتری بر خودکارآمدی داشت.

همچنین نتایج حاکی از این است که والدین دانش آموزان عادی بیشتر از دانش آموزان زورگو از سبک دلبستگی ایمن استفاده می‌کنند. می‌توان چنین تبیین کرد افراد دلبسته ایمن از همان دوران کودکی و تحت تاثیر رابطه گرم و سازنده با والدین شان می‌آموزند که چگونه می‌توان هیجان‌ها را به صورت قابل قبول از نظر اجتماع ابراز و به هیجان‌های ابراز شده‌ی دیگران واکنش نشان داد. والدین مقتدر با درجه بالایی از توقع و پاسخ دهی به شکل گیری دلبستگی ایمن در فرزندان شان کمک کرده و فرزندان یک مدل کارکردی مثبت نسبت به خود و دیگران را در خود رشد می‌دهند. بر این اساس، آنان باور دارند که خودشان قابل دوست داشتن هستند و دیگران نیز پاسخ ده و پذیرنده‌اند. چنین دلبستگی با سلامتی روانی و سایر شاخص‌های شایستگی اجتماعی به طور مثبت رابطه دارد. والدینی گرم، با محبت و حمایت کننده بوده و خود را در کارهای کودکان درگیر می‌کنند، دلبستگی ایمن را در فرزندان رشد می‌دهند. در نتیجه فرزندان نگرش مثبت به خود پیدا می‌کنند. چنین طرح‌واره شناختی آنان را از رفتارهای پرخطر محافظت کرده و سلامت روان شناختی، کفایت و شایستگی را به ارمغان می‌آورد. همچنین نتایج نشان داد والدین دانش آموزان زورگو بیش از دانش آموزان عادی دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و اضطرابی- دوسوگرا) هستند. همان گونه که در پیشینه‌ی پژوهش عنوان شد، پژوهش علمی گزارش شده در این زمینه یافت نشد، اما مطالعات آلن و بیومینجر و کیمپی کاید (۲۰۰۲) جنیفر و پترسون (۲۰۰۶) ارتباط مثبت و قوی سبک‌های دلبستگی والدین را در کاهش مشکلات و اختلالات رفتاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان به اثبات رسانده است. می‌توان چنین تبیین کرد که سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی- دوسوگرا با رفتار زورگویی ارتباط داشته است به صورتی که این سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده‌ی نیرومندی جهت اختلال رفتاری، بزهکاری و اختلال شخصیت ضد اجتماعی می‌باشد [۲۰]. والدینی که دلبستگی ناایمن را در فرزندان خود رشد می‌دهند در نتیجه فرزندان نگرش منفی به خود پیدا می‌کنند چنین طرح‌واره شناختی نه تنها آنان را مستعد رفتارهای پرخطر کرده بلکه شایستگی اجتماعی و عزت نفس را در آنان تضعیف خواهند کرد. با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان بیان داشت که تفاوت سبک‌های دلبستگی ناشی از تعاملات متفاوت والدین و دیگران به خصوص والدین می‌باشد. یاگون^{۱۱} (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد افرادی که در دوران کودکی دلبستگی ناایمن نسبت به والدین شان داشتند در مدرسه با دوستان شان بد رفتاری نشان می‌دهند [۲۶]. به اعتقاد محققان، والدین این کودکان آن‌ها را مورد غفلت قرار داده و نسبت به رفتارهای کودکان شان پاسخ‌های نامناسب نشان داده‌اند. به طور کلی می‌توان چنین تبیین نمود که نحوه‌ی کیفیت نگهداری و نحوه‌ی تعامل بین افراد خانواده تعیین کننده‌ی نوع دلبستگی در کودک، نوجوان و بزرگسال می‌باشد. بنابراین، خانواده‌ای که دارای روابط عاطفی نیرومند با فرزندان خود باشد و نحوه‌ی عملکرد مناسبی را اعمال نماید، متعاقب آن در فرزندان باعث ایجاد دلبستگی ایمن می‌گردد و کمتر در معرض اختلال‌های رفتاری قرار می‌گیرند. به طوری که حساسیت و پاسخ‌گو بودن والدین نسبت به نیازها و خواسته‌های کودک در ایجاد سبک دلبستگی ایمن تاثیر دارد. نتایج این تحقیق با مطالعات تامپسون، از نگرش‌های فرزند پروری مستبدانه به عنوان یک خطر برای مشکلات سلوکی یاد کرده. همچنین ترنر در پژوهشی عنوان می‌کند، سبک فرزند پروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی تاثیر بسزایی دارد. از سویی اویسرمن در مطالعه‌ی نشان دادند که شیوه‌ی فرزند پروری آسان گیر با علایم بیشتر افسردگی و اضطراب نوجوانان و سبک فرزند پروری مثبت با علایم کمتر افسردگی در ارتباط بوده است [۱۸].

یافته‌ی دیگر این پژوهش تأیید این فرضیه است که بین شیوه‌های فرزند پروری والدین دانش آموزان زورگو و دانش آموزان عادی پایه‌ی پنجم و ششم ابتدایی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از این است که شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه در والدین دانش آموزان زورگو بیشتر از والدین کودکان عادی به کار گرفته می‌شود. شیوه‌ی فرزند پروری مقتدرانه در والدین دانش آموزان زورگو کمتر از والدین کودکان عادی به کار

گرفته می‌شود و همچنین بین والدین دانش‌آموزان زورگو و عادی در شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه تفاوت معناداری وجود ندارد. ارتباط مثبت و قوی شیوه‌های فرزندپروری والدین را در کاهش مشکلات و اختلالات رفتاری و بزهکاری به اثبات رسانده است. می‌توان در تبیین چگونگی این رابطه این گونه بیان کرد کودکانی که بر اساس الگوی مستبدانه تربیت می‌شوند معمولاً به انواع اختلالات عصبی- روانی و رفتاری مبتلا می‌شوند. در این الگو والدین، کودک را به دلیل خطاهایش سرزنش و تنبیه می‌کنند. ولی هیچ گاه راجع به علت تنبیه کودک توضیحی نمی‌دهند. معمولاً ارتباط منطقی بین نوع تنبیه به کار رفته و رفتار اشتباه کودک وجود ندارد و هر خطایی که کودکان زمان زیادی را در کنار والدین خود سپری می‌کنند. پدران بر عکس زمان کمتری در کنار فرزندان خود هستند؛ از کودک سر می‌زند، با خشونت‌ی غیرضروری، حمله به شخصیت کودک و ایجاد احساس گناه همراه است. سرزنش مداوم باعث می‌شود که در ذهن کودک تصویر ضعیفی از خودش به وجود آید که به تدریج اعتماد به نفس او را کاهش می‌دهد، رفتار او را بدتر می‌سازد و موجب می‌شود که به زودی باور کند، آن چه که والدینش درباره‌ی او تصور می‌کنند، حقیقت محض است. مجموعه‌ی این شرایط کافی است که نوجوان را متمایل به انواع رفتارهای مهار گسیخته و از آن جمله به رفتار زورگویی نماید و به پایین آمدن خودکارآمدی در دانش‌آموزان کمک می‌کند. تنبیه کینه توزانه، سرزنش مداوم و ایجاد احساس گناه باعث می‌شود کودک باور کند به اندازه‌ای بد است که لایق بی‌احترامی و بی‌توجهی شده است. در بیشتر رفتارهای ضد اجتماعی، فرار از منزل، استفاده از مواد مخدر، دزدی، تشکیل گروه‌های ولگرد و تبهکار و دیگر رفتارهای ضدا اجتماعی می‌توان ردپای این الگوی تربیتی را مشاهده کرد.

تحقیقات نشان داده است که باورهای خودکارآمدی تاثیر نیرومندی بر انگیزه پیشرفت، انتخاب‌ها و میزان تلاش و سطح پشتکار افراد و نهایتاً بر پیشرفت و موفقیت‌های آنان دارد. افرادی که باورهای خودکارآمدی بالا دارند، تکالیف دشوار را به عنوان چالش می‌بینند، نسبت به اهدافشان متعهد باقی می‌مانند و در صورت شکست به تلاش خود می‌افزایند و نهایتاً پشتکار آن‌ها موجب موفقیت می‌شود. به همین ترتیب ادراک خودکارآمدی یک ساز و کار شناختی است که توانایی کنترل موارد فشار را در فرد ایجاد نماید و فرد را قادر به رویارویی با مشکلات می‌نماید. افرادی که دارای خودکارآمدی واضح، خوب تعریف شده، هماهنگ و تقریباً با ثبات هستند به دیدگاهی روشن در مورد خود رسیده‌اند و کمتر تحت تاثیر وقایع روزانه و ارزیابی‌های این وقایع قرار می‌گیرند. باید پذیرفت متغیر خودکارآمدی نقش بسزایی در سلامت شناختی و روانی افراد دارد [۱۶].

با توجه به یافته‌های تحقیق، به نظر می‌رسد کودکان، نوجوانان و جوانان با نیازهای خاص، به دلیل محدودیت‌های خود بیش از سایر افراد، مورد انواع بد رفتاری‌ها قرار می‌گیرند. از زمان تشخیص ابتلای کودک به ناتوانی‌های خاص، والدین متحمل انواعی از فشارهای روانی می‌شوند که سبب بر هم خوردن آرامش و سازش یافتگی زندگی آنها می‌شود از طرفی مسائلی نظیر مزاج کودک، زورگویی و بد رفتاری کودک بر شیوه فرزند پروری والدین و سبک دلبستگی و از سویی دیگر بر آموزش مهارت‌های تربیتی کودک و اعتماد به نفس و خودکارآمدی کودک نقش بسزایی دارد. به وجود آمدن دلبستگی طبیعی کودک مادر - کودک موجب بهداشت همه جانبه‌ی کودک از جمله بهداشت روانی او خواهد شد. از طرف دیگر فقدان دلبستگی مناسب بین مادر-کودک می‌تواند پیامدهای منفی رشدی برای کودک و جامعه داشته باشد به گونه‌ای که حتی می‌تواند منجر به مشکلات روانپزشکی بعدی گردد. این در حالی است که کودکان زورگو به دلایلی در مهارت‌های شناختی نقایص جدی داشته و در عملکرد تحصیلی نوعی نا هم خوانی بین مهارت‌های ایشان دیده می‌شود.

با توجه به نتایج بدست آمده از این تحقیق، بنابراین توصیه می‌شود به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه و ارتقا بخش توجه به فرزند پروری (مقتدرانه) و سبک‌های دلبستگی مناسب و خودکارآمدی در برنامه‌های بهداشت روانی برای تمامی زنان و مردان بویژه کسانی که در آستانه ازدواج هستند قرار گیرد. تا با آموزش شیوه‌های فرزند پروری مناسب والدین بتوانند در ارتقای بهداشت روانی (خودکارآمدی) فرزندان خویش و هم در پیشگیری از اختلالات روانی در آن‌ها موفق باشند.

سپاسگزاری

بدین وسیله از کارکنان محترم شبکه‌های بهداشت و اداره آموزش و پرورش شهرستان‌های (آباد، اقلید، صفاشهر و بوانات) که زمینه اجرای پژوهش حاضر فراهم آورده و نیز دانش‌آموزان و والدین آن‌ها که در پژوهش شرکت کردند قدرانی می‌گردد.

- 1-Olweus D. Bullying at school: What we know and what we can do. Oxford: Blackwell; 2006.
- 2-Hulsey C. examining the psychometric properties of self-report measures of bullying: Reliability of the peer relations questionnaire [dissertation]. [Kansas]: Kansas State University; 2005.
- 3-Salmivalli C, Peets K. Bullies, Victims, and bully-victim relationships in middle childhood and early adolescence. In: Rubin KH, Bukowski WM, Laursen B, editors. Handbook of peer interactions, relationships and groups. New York: Guilford Press; 2009.
- 4-Espelage D, Swearer S. Research on school bullying and victimization: what have we learned and where do we go from here? School Psychology Review. 2003; 32: 365-383.
- 5-Nansel T, Overpeck M, Pilla R, Ruam W, Simons-Morton B, Scheidt P. Bullying behaviors among US youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. Journal of American Medical Association. 2001; 285, 2094-2100.
- 6-Juvonen J, Graham G, Schuster M. Bullying among young adolescents: The strong, the weak, and the troubled. Journal of the American Academy of Pediatrics. 2003; 112: 1231-1237.
- 7-Stanley L, Arora T. Social exclusion amongst adolescent girls: Their self- esteem and coping strategies. Educational Psychology in Practice. 1998.
- 8-Slonims V, McConachie H. Analysis of mother-infant interaction in infants with down syndrome and typically developing infants. Am J Ment Retard 2006;111(4):273-89.
- 9- Schwartz D, Proctor L, Chien D. The aggressive victims of bullying: Emotional and behavioral deregulation as a pathway to victimization by peer. In J. Juvonen& S. Graham (Eds.), peers harassment in school: The plight of the vulnerable and victimized. New York: Guilford press. 2001.
- 10- Fleming LC, Jakobsen KH. Bullying and symptoms of depression in chilean middle school students. Online J Public Health Inform. 2009; 79:123-35.
- 11- Rigby K, Cox L. The contribution of bullying at school and low self-esteem to acts of delinquency among Australian teenagers. Pers Individ Dif. 1996.
- 12- Dake J, Price J, telljohann, S. The nature and extent of bullying at school. Journal of school health. 2006; 73: 1-23.
- 13- Boris NW, Zeanah CH. Practice parameter for the assessment and treatment of children and adolescents with reactive attachment disorder of infancy and early childhood. J Am Acad Child Adolescent Psychiatry. 2005; 44:1206-19.
- 14-Crozier W, Skliopidou E. Adult recollections of name calling at school. Educational Psychology. 2003.
- 15-Atari Y, Abasi-sarchshme A, Mehrabizadeh M. Simple and multiple relationships religious attitude, optimism and attachment styles and marital satisfaction in married men students of Shahid Chamran University. Journal of Educational and Psychological. 2006; 1: 36-52.
- 16-Diaz Y. Association between parenting and child behavior problems among Latinomothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. Disabilities. The Internet Journal of Mental Health. 2005; 1: 48-61.
- 17-Rinaldi C, Howe N. Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. Early Childhood Research Quarterly. 2011; 27: 266-273.
- 18-Gol Mohammadi.H. Master's thesis The relationship between attachment styles and perceived parenting practices with student self-efficacy, Allameh Tabatabaei University. 2011
- 19- Sadeghkhni A, Aliakbari-Dehkordi M, Kako-Joybari A. Comparison of parenting styles of mothers of boys 7 to 9 years of primary - headstrong disorder - and a general disobedience city of Ilam. Journal of Special. 2012; 6: 95-114.
- 20- Holenstein T. Rigidity in parent-child interaction early childhood. Journal of Abnormal Child Psychology. 2004; 32: 595-607.
- 21-Famarzi.S, Taghi por javan,A, Dehghani,M, Moradi,M. Comparison of attachment styles and parenting styles of mothers of normal and Students with learning disabilities. Jāntaşāpīra Scientific-Research Bimonthly Journal, Volume 4, Number 3
- 22-Tozende jani, HTavakoli, J. Gholrizan, Z. The Effectiveness of Parenting Techniques on Self-Efficacy and Mental Health of the Humanities Students of Payame Noor University and Azad University.

Quarterly Journal of Gonabad University of Medical Sciences & Health Services Volume 17, Number 2, Summer 90

23- Amiri Sh. A developmental study of relationship between social status and adaptive behavior, social skills and conduct disorders from childhood to adolescence [dissertation]. [Tehran]: Tehran University. 2001.

24- Haje rostami. A. Sayedi, T. The role of parenting styles and child attachment styles in self-efficacy of fifth grade elementary students of Tabriz University of medical sciences, Master's Thesis.

25- Boon HJ. Low and high-achieving Australian secondary school students: Their Parenting, Motivations and academic achievement. Aust Psychol 2007;42(3):212-25.

26- Yagon M, Mikulincer M. Patterns of close relationships and socioemotional and academic among school-age children with learning disabilities. Learn Disabil Res Pract 2004;19:12-9.